



نامه پاکستان - ۱

عارف نوشاهی (اسلام آباد)^۱

سرنامه

در سفر مرداد ۱۳۸۹ اگوست ۲۰۱۰ به ایران، چندی از مدیران نشریات پژوهشی فرهنگی و دوستانی که در حوزه کتابشناسی و ادبیات فارسی شبه قاره کار می کنند، از من خواستار نوشتن سلسله مقالاتی و یادداشت هایی شدند که مبتنی بر اخبار نشر کتاب های تازه فارسی و ایران شناسی در شبه قاره باشد یا اگر نسخه ای مهم خطی دیده و نکته ای در آن دریافت شده باشم، به وسیله نشریاتشان به جامعه فرهنگی ایران نیز اطلاع برسانم. انتظار و توقع دوستان از من که از سالها تگ و پویم در همین راستا بوده است، چندان بی جا هم نبود، ولی مشغله هایم نمی گذارد که برای تک تک نشریات مطلبی جداگانه بنویسم. صلاح دانستم که هر از چندگاهی که اخبار مفید و خواندنی جمع شود، تحت عنوان «نامه پاکستان» پیشکش دوستان کنم. ترجیحاً در این سلسله یادداشت ها، اخباری از کشور متبوع خود پاکستان خواهم داد نه از کل شبه قاره، زیرا به علت ضعف تبادل اطلاعات فرهنگی بین کشورهای شبه قاره و محدودیت رفت و آمد، برای من دسترسی به هر نوع اخبار موثق و مورد نظر هند و بنگلادش مقدور نیست. امیدوارم این کار را خود پژوهشگران هندی و بنگالی انجام بدهند

چنانکه عزیزان ایرانی درخواه شده اند، در نامه پاکستان سعی می کنم اخباری در زمینه کتابشناسی، نسخه شناسی، متن پژوهی، همایش ها و درگذشت محققان کشور درج کنم. در خلال اخبار ناگزیر گریز به خاطرات گذشته هم خواهم زد. برای آسانی در ارجاع، به هر مدخل شماره ای مسلسل داده شده است.

این نامه بی نام استاد ایرج افشار باز نمی شود که با نوشتن سلسله مقالات «تازه ها و پاره های ایران شناسی» در مجلات کلک و بخارا به ما آموخته اند که اطلاعات فرهنگی و کتابشناختی را نباید پیش خود بند کرد و باید

فی الفور به سمع اهل فن رساند. چاپ به موقع یک خبر علمی و فرهنگی، کمکی بزرگ به همعصران خود است. امیدوارم «نامه پاکستان» نیز در راه تحقق نیت و تکامل مرام استاد افشار گامی کوچک ولی سودمند به شمار آید. اگر خوانندگان پیشنهادی برای بهبود این سلسله دارند به این آدرس لطف کنند.

۱. تاریخ رزمیات ایران

پرفسور شیخ محمد اقبال (۱۸۹۴-۱۹۴۸م) نخستین رئیس گروه فارسی دانشگاه پنجاب لاهور و مدیر دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب را نسل گذشته محققان ایرانی به خاطر تصحیح راحة الصدور و آية السرور راوندی (چاپ لندن و لایدن، ۱۹۲۱) و اخبار الدولة السلجوقية علی حسینی (چاپ لاهور، ۱۹۲۲) نیک می شناسد، ولی تازه واردان عرصه تحقیق گاهی او را به دلیل هم نامی و هم زمانی و هم مکانی، با علامه محمد اقبال (۱۸۷۷-۱۹۳۸م) شاعر شهیر فارسی گوی لاهور اشتباه می گیرند. پرفسور اقبال در دانشگاه کامبریج شاگرد ادوارد براون بود و پایان نامه دکتری (راحة الصدور) را زیر نظر او تهیه کرد و از کمک و راهنمایی های عالمانه علامه محمد قزوینی، ذبیح بهروز، چارلز استوری و ادگار بلوشه نیز بهره مند بوده است. او در حین اقامت اروپا زبان آلمانی را نیز یاد گرفت و کتاب شاهنامه فردوسی تألیف تئودر نولدکه (د ۱۹۳۰م) خاورشناس آلمانی را از آلمانی به اردو ترجمه کرد. اخیراً دکتر محمد اکرام چغتایی، محقق پاکستانی، این ترجمه را با نام تاریخ رزمیات ایران، شاهنامه فردوسی با ژرف بینی خاص خود گردآوری کرده و با مقدمه و پیوسته های مفید در شرح حال پرفسور اقبال و فهرست آثار او و عکس نامه های ادوارد براون چاپ کرده است (ناشر دی تروته سوسایتی، لاهور، ۲۰۰۹) پرفسور اقبال در ۱۹۳۵م سفری به ایران رفت. قبل از وفات خود مشغول جمع آوری مواد و منابعی برای نوشتن کتابی در شرح احوال و آثار سنایی غزنوی بوده است، اما به تکمیل نرسانید. نزد او نسخه خطی خرم نامه تألیف علی بن ابی نصرین علی معروف به ابی الحسین اوزجندی بوده که کتابی در علم اخلاق در قرن پنجم هجری است. در این کتاب، وی اشعار برخی شاعران کهن فارسی از جمله رودکی

1. anaushahi_2000@yahoo.com

را بازیافته بود و در مقاله‌ای عرضه کرده بود (لوینتل کالج میگزین، لاهور، اگوست ۱۹۴۷م) مقالات تحقیقی اردوی او که غالباً در زمینه ادبیات فارسی و ایران‌شناسی بوده است، شایستگی این را دارد که به فارسی ترجمه و نشر شود. مجموعه شخصی او (کتب چاپی) در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود.

۲. دیوان یکتا خوشابی

دیوان فارسی احمدیار خان یکتا خوشابی درگذشته ۱۱۴۷ق مشتمل بر غزلیات، مثنوی گلدسته حسن و مثنوی هیروانجه، به تصحیح و مقدمه دکتر محمد سلیم مظهر، دکتر نجم‌الرشید و دکتر محمد صابر را دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب، لاهور، ۲۰۱۰م چاپ کرده است. یکتا مدتی ناظم تته بوده و همانجا میر غلام‌علی آزاد بلگرامی را دیده بود و آزاد در تذکرة‌های خود از این دیدار یاد کرده است. یکتا در دیوان خود قصیده‌ای در وقایع روزگار دارد. که این چند بیت از آنجاست:

کار شاگرد ز استاد شکایت کردن
خدمت پیر کم از معتقدان می‌بینم
مکتب و درس تهی گشته، معلم حیران
شغل بر دایره بدعتیان می‌بینم
چهل غالب شده یا رب تو امانی بخشا
اندکی عالم و حافظ قرآن می‌بینم
دل دانا همه جا فکر به روزی دارد
ابلهان را به جهان عیش‌کنان می‌بینم
شاعر از مدح به امید کرم لاف زند
دل ممدوح همه بخل به آن می‌بینم

۳. مجله معیار، فال نیک برای ادبیات فارسی

معیار نام نشریه‌ای است که با سرکار آمدن دکتر معین‌الدین عقیل در گروه زبان و ادبیات اردوی دانشگاه بین‌المللی اسلامی، اسلام‌آباد در ۲۰۰۹م پا به عرصه مطبوعات پاکستان گذارده و سالی دوبار چاپ می‌شود. سومین شماره آن در نیمه اول سال ۲۰۱۰م، نشر یافته است. دکتر عقیل نشریه را فقط به ادبیات اردو محدود نکرده بلکه مقالاتی را به ادبیات فارسی نیز اختصاص داده که پشتوانه ادبیات اردو به حساب می‌آید. برای آموزش پژوهشگران نوپا و دانشجویان، انتشار مقالاتی

در زمینه متن‌پژوهی نیز تدارک دیده شده است. در هر شماره صفحاتی از نشریه به عنوان «گوشه نوادر» ویژگی دارد. در این بخش به چاپ فاکسیمیل نسخه‌های خطی اهتمام شده است. آنچه تاکنون در زمینه ادبیات فارسی و ایران‌شناسی و قابل توجه ایرانیان چاپ شده، این است:

شماره ۱ (۲۰۰۹):

- خازن‌الشعر، تذکره شاعران و دانشمندان هندی و ایرانی در قرنهای هجدهم و نوزدهم، نوشته عارف نوشاهی.
- مسئله زبانشناسی تصوف و تشابه در افکار عین‌القضات همدانی، نوشته توشی هیکو از ستو.
- چگونگی قرائت مخطوطات فارسی از دیدگاه تصحیح و تدوین، نوشته سی ای ولسن
- مکاتبة غالب و غمگین (چاپ فاکسیمیل نسخه خطی فارسی)

شماره ۲ (۲۰۰۹):

- بازگشت اشعار فارسی در کتب ملفوظات مشایخ چشتیه، نوشته عبدالعزیز ساحر
- باز یافت بیاضی گمشده میر تقی میر (گزیده اشعار فارسی)
- مباحث ایران‌شناسی و تصحیح متون فارسی در پاکستان، نوشته عارف نوشاهی
- مقدمه فارسی دیوان ماه‌لقابی چند (چاپ فاکسیمیل نسخه خطی)

شماره ۳ (۲۰۱۰):

- بخشی از این شماره اختصاص به مقالات نگارنده در زمینه ادبیات فارسی و نسخه‌شناسی داده شده است. از جمله:
- درباره مجموعه لطایف و سفینه ظرایف
- اشعار فارسی بوعلی قلندر پانی‌پتی برگرفته از مجموعه لطایف و سفینه ظرایف
- نسخه‌ای از تاریخ محمود شاهی با مهر و یادداشت عبدالرحیم خان خانان
- کتاب مجالس جهانگیری منبعی مفید برای تاریخ فرهنگی و ادبی عصر جهانگیر
- متن فارسی تذکره تحفة الفصحاء تألیف چندربهان برهمن لاهوری
- برگزیده اشعار فارسی درباره پنجاب از مثنوی تحفة‌الپنجاب سروده حکیم میتا چنابی



کراش میراث

- معرفی دو نسخه خطی از مؤلفات احمدیار خان یکتا خوشابی، شش فصل و گلدسته حسن
- میراث فرهنگی مفتیان بهیره و متن فارسی رساله شجره نسب مفتیان بهیره تألیف محمد صالح مفتی
- متن فارسی رساله در احوال و انساب قریش ملتان و نواحی آن تألیف شیر محمد قریشی هاشمی
- نقدی بر کتاب نامه‌های خواجه احرار و بستگان او تألیف جواين گروس و عصام‌الدین اورنبایف
- تدوین و احیای متون فارسی در آسیای جنوبی
در گوشه نوادر به چاپ عکسی سراج‌الاکابر اهتمام شده است. سراج‌الاکابر روزنامه فارسی‌زبان بوده که زیر نظر سراج‌الدین بهادر شاه ظفر آخرین تاجدار تیموری در هند، در سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۵۷م در دهلی منتشر می‌شد. در بخش انگلیسی، مقاله خانم ندا سقایی (نویسنده ایرانی) درباره کتاب فارسی ناله عندلیب (ملفوظات میر ناصر عندلیب دهلوی) به چاپ رسیده است.

۴. درگذشت دکتر وحید قریشی

دکتر وحید قریشی (۱۹۲۵-۲۰۰۹م) استاد فارسی‌دان و رئیس دانشکده خاورشناسی دانشگاه پنجاب لاهور و فرهنگستان زبان اردو در تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۰۹ در لاهور درگذشت. ناموری او در شبه‌قاره به نقد ادبی اردو بوده ولی چون درسهای فارسی و تاریخ را نیز خوانده بود علاقه مفروطی به ادبیات فارسی و متون تاریخی فارسی داشت. رساله دکتری او نیز «بررسی انتقادی ادبیات انشایی فارسی» بوده است که تاکنون چاپ نشده است. در کارنامه او تصحیح و گردآوری چند کتاب فارسی نیز بوده است، از جمله:

نامه عشق، تألیف اندرجیت منشی (۱۹۵۹م)؛ دربار ملی، برگزیده متون تاریخی فارسی شبه‌قاره (۱۹۶۱م)؛ تصحیح ثواقب‌المناقب تألیف محمدماه صداقت کنجاهی (نیمه‌تمام، ۱۹۶۱م)؛ تصحیح شاهجهان‌نامه تألیف محمد صالح کنبو (۱۹۶۶-۱۹۷۲م)؛ مجموعه مقالات انگلیسی درباره ادبیات فارسی و تاریخ (Oriental Studies) (۱۹۶۹)؛ تذکره همیشه بهار تألیف کشتن چند اخلاص (۱۹۷۳)؛ ارمغان ایران (مجموعه مقالات: ۱۹۷۳)؛ مطالعات ادبیات فارسی (مجموعه‌ای دیگر مقالات: ۱۹۹۶).
وی کتابدوست و نسخه‌شناس بود. قبل از وفات،

کتابخانه خود (بخش چاپی) را به دانشگاه جی سی لاهور اهدا کرد و نسخه‌های خطی مجموعه شخصی وی را بعد از وفاتش کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب از ورثه او خرید. در مجموعه او نسخه‌ای از بیان‌الادیان دیده بودم. دکتر قریشی اعتقاد داشت این نسخه در قرن هفتم کتاب شده است، ولی مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه در مقدمه خود بر بیان‌الادیان (چاپ موقوفات بنیاد افشار) بدون این که نسخه را دیده باشد، متعلق به قرن هشتم دانسته است. دکتر قریشی نیت داشت بیان‌الادیان را بر اساس نسخه خود یک بار دیگر چاپ کند و برای این منظور به وسیله نگارنده چاپ دانش‌پژوه را نیز تهیه کرده بود، ولی بیماری طولانی تنگی نفس و محدودیت در حرکت و فعالیت به دلیل فربهی تن وی را فرصت کارهای پژوهشی نداد. تعجب کردم وقتی او در همین بیماری و وضع، در ۱۹۹۵م به مناسبت نمایشگاه کتاب سفری به ایران آمد. در آن زمان من هم در ایران بودم. برای پیشواز او به فرودگاه مهرآباد رفتم. دیدم عصا در دست، دوربین در گردن، با اشتیاق اولین بار قدمی در سرزمینی نهاده که به ادبیات او عشق می‌ورزیده و عمری با آن به سر کرده است. او را به چند جا در تهران بردم و برای او کتاب تهیه کردم.

او سخت معتقد به تدوین و چاپ کتابشناسیه‌ها و فهرستها بود و همیشه در دوران ریاست سازمانهای انتشاراتی ترجیحاً کتابهایی در این فن را چاپ می‌کرد. بدین جهت نگارنده را نیز در کارهای کتابشناسی تشویق می‌کرد و چندین کار مرا درین زمینه از جمله کتابشناسی فهرستهای نسخه‌های خطی پاکستان و هند در دو جلد، ثلاثه غساله (کتابشناسی آثار عربی، فارسی و اردو در بنگال)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وحید قریشی را از سوی مؤسسات زیر نظر خود چاپ کرد. در ۱۹۹۸م دوستان پاکستانی به پاس خدمات علمی و ادبی او جشن‌نامه‌ای به نام ارمغان علمی تدارک دیدند و نگارنده افتخار دارد که یکی از گردآورندگان این مجموعه مقالات هستم. بیشترین مقالات این مجموعه در زمینه ادبیات فارسی، ایرانشناسی و نسخه‌شناسی فراهم آمد، از جمله «نامه‌های ایرانی در معجم‌السفر» نوشته دکتر احمد تفضلی، «نظام آبرسانی در ایران در قرون وسطا» نوشته پرفسور محمد اسلم.

رباعی خیام در تاریخ و صاف

سید علی میرافضلی

چاپ عکسی جلد چهارم تاریخ و صاف موسوم به تجزیه الأمصار و تزجیه الأعصار اثر شرف الدین عبدالله شیرازی (تهران، ۱۳۸۸) فرصت مغتنمی فراهم کرد تا چند و چون درج رباعی خیام را در این اثر تاریخی و رسم. پیش از این در کتاب رباعیات خیام در منابع کهن (ص ۶۳ - ۶۵)، یک رباعی خیام را از این اثر نقل و سوابق آن را باز نموده بودم. مأخذ من در آن کتاب، دستنویس شماره ۴۰۹۳ کتابخانه ملک بود که در سال ۸۵۷ ق (حدود ۱۴۵ سال بعد از تألیف کتاب) کتابت شده است و به نسخه چاپی آن که به سال ۱۲۶۹ هجری در بمبئی نشر یافته بود نیز مراجعه داشتم. اینک، چاپ عکسی نسخه‌ای که به قلم مؤلف در سال ۷۱۱ ق کتابت شده است، باعث اطمینان خاطر محققان خواهد بود و امکان مقایسه تحولات یک متن را در سیر تاریخی آن به خوبی میسر می‌کند.



یکی از منابع کهن رباعیات خیام، تاریخ جهانگشی اثر عطاملک جوینی تاریخ‌نگار معروف دوره مغول است. جوینی در بیان «احوال مرو و کیفیت واقعه آن»، و شرح حمله مغول به شهر نیشابور - زادگاه خیام - و قتل و کشتار مردم آن سامان، به رباعی‌ای از خیام استناد کرده است:

«سید عزالدین نسابه که از سادات کبار بود، درین حال با جمعی سیزده شباروز شمار کشتگان می‌کرد. آنچه ظاهر بوده است و معین، بیرون مقتولان در نقبها و

سوراخها و رساتیق و بیابانها، هزار هزار و سصد هزار و کسری در احصا آمده و در این حالت، رباعی عمر خیام که حسب حال بود، بر زبان رانده است:

ترکیب پیاله‌ای که در هم پیوست
بشکستن آن روا نمی‌دارد مست
چندین سر و پای نازنین از سر دست
از مهر که پیوست و به کین که شکست»
(ج ۱، ص ۱۲۸)

این حکایت تقریباً با همین کیفیت در تعدادی از متون تاریخی مثل حبیب السیر و روضة الصفا (ج ۸، ص ۳۸۷۵) و جامع مفیدی (ج ۳، ص ۸۲۴) نقل شده و همین رباعی خیام نیز ضمیمه داستان است. و صاف الحضرة مؤلف تاریخ و صاف نیز این حکایت را در جلد چهارم کتاب خود نقل کرده است. چندی پیش دوست عزیز آقای فیروزبخش یادآور شد رباعی مندرج در چاپ عکسی تاریخ و صاف با آنچه در نسخه چاپی هست، متفاوت است. چون کتاب را به مطالعه گرفتم، متوجه شدم شرف‌الدین شیرازی، با اینکه در نقل حکایت حمله مغول به مرو، و امداد عطاملک جوینی بوده، در نقل رباعی خیام، ابتکاری از خود به خرج داده و یک رباعی دیگر خیام را جایگزین رباعی منقول در تاریخ جهانگشی کرده است:

«چنین گویند - والعهدة علی الراوی - که سید عزالدین نسابه با جمعی اکابر مرو، سیزده شبانروز کشتگان را تعداد می‌کرد. آنچ معین بودند، بیرون مقتولان در اجواف مغارات و اشداق صحاری، هزار هزار و سصد هزار و کسری برآمد و دوبیتی عمر خیام طناب خیمه استدلال و شقه بارگاه معنی گشت:

دارنده چو ترکیب طبایع آراست
باز از چه فکندش این چنین در کم و کاست
گر خوب نیامد این بنا، عیب کراست
ور خوب‌آمد، خرابی از بهر چراست»
(ص ۵۴۷)

آنچه مسلم است آن است که در جمیع نسخه‌های کهن تاریخ جهانگشی که ده تا بیست سال قبل از زمان تحریر تاریخ و صاف کتابت شده‌اند (نک: رباعیات خیام در منابع کهن، ص ۳۶ - ۳۷)، رباعی خیام همان است که آوردیم.



کراش میراث

تاریخ و صّاف، زبان متکلف‌تری دارد و می‌توان گفت با نثر فنی و صاف متناسب‌تر افتاده است.

منابع

- تاریخ جهانگشای، عطاملک جوینی، به اهتمام محمد قزوینی، لیدن، ۱۹۱۱ - ۱۹۳۷ م.
- تاریخ روضة الصفاء میر خواند، به تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- تجزیه الأمصار و تجزیه الأعصار (تاریخ و صّاف)، شرف‌الدین عبدالله شیرازی، نسخه‌برگردان جلد چهارم کتاب، به خط مؤلف در ۷۱۱ ق، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- رباعیات خیام در منابع کهن، سید علی میرافضلی، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- مرصاد العباد من المبدء الی المعاد، نجم رازی، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ش. ■

بنابراین، در اینکه رباعی مدّ نظر مؤلف تاریخ جهانگشای متفاوت بوده با آنچه و صّاف نقل کرده است، تردید نداریم. با توجه به اینکه متن مورد استفاده ما، ریخته قلم خود مؤلف تاریخ و صّاف است، سؤال ما این است که آیا مؤلف تاریخ و صّاف خودش بعداً رباعی متن را با مأخذ اولیه تطبیق و آن را تغییر داده است، یا آنکه کاتبان این کتاب، به سابقه آشنایی ذهنی با تاریخ جهانگشای، در متن تاریخ و صّاف دست برده‌اند و رباعی اصلی را جایگزین رباعی مختار مؤلف کرده‌اند؟ برای این سؤال عجالتاً جوابی نداریم.

یکی از کهن‌ترین منابعی که رباعی دوم خیام را نقل کرده، مرصاد العباد شیخ نجم‌الدین رازی است (ص ۳۱). با توجه به آشنایی و صّاف با کتاب مذکور و نقل رباعی نجم رازی در تاریخ و صّاف (ص ۵۴۱)، به احتمال بسیار وی رباعی خیام را از این مأخذ برگرفته است. این دو رباعی خیام، از لحاظ مضمون و نحوه استدلال بسیار به هم شباهت دارند، جز آنکه رباعی تاریخ جهانگشای از لطافت و قدرت عاطفی بیشتری برخوردار است و رباعی

